یادداشت میهمان

مقاومت جاری است

«فَإِنَّ الْغَايَةَ أَمَامَكُمْ وَ إِنَّ وَرَاءَكُمُ السَّاعَةَ تَحْدُوكُمْ تَخَفَّفُوا تَلْحَقُوا فَإِنَّمَا يُنْتَظَرُ بِأَوَّلِكُمْ آخِرُكُمْ»

«ای مردم! همانا ماه خدا، همراه با برکت و رحمت و آمرزش به شما روی آورده است؛ ماهی که نزد خدا برترین ماه‌هاست و روزهایش برترین روزها و شب‌هایش برترین شب‌ها و ساعاتش برترین ساعات است. ماهی که در آن به میهمانی خدا دعوت شده‌اید و از شایستگانِ کَرامت الهی قرار داده شده‌اید. نَفَس‌هایتان در آن، تسبیح است و خوابتان درِ آن عبادت. عملتان در آن پذیرفته و دعایتان مستجاب است پس با نیّت‌های راست و دل‌های پاک، از پروردگارتان بخواهید تا برای روزه‌داریِ آن و تلاوت کتابش، توفیقتان دهد؛ چرا که بدبخت کسی است که در این ماه بزَرگ، از آمرزش الهی محروم بماند. با گرسنگی و تشنگی خود در این ماه، گرسنگی و تشنگیِ روز قیامت را یاد کنید؛ به نیازمندان و بی‌نوایان صدقه دهید؛ به بزرگان خود احترام و بر کوچک‌ها ترحّم و به بستگانتان نیکی کنید؛ زبان و چشم و گوش‌هاتان را از غیرحلال نگه دارید و بپوشانید و فروبندید. به یتیمان محبّت کنید تا بر یتیمانتان محبّت ورزند؛ از گناهانتان توبه کنید که جان‌هاتان در گرو کارهای شماســـت، پس با طلب آمرزش، آنها را آزاد سازید. پشت‌های شما از بار گناهانتان سنگین است پس با طول دادن سجده‌های خود، آنها را سبک کنید و....

فرمودند رمضان نام خداســـت. رمضان الکریم، خدای کریم. و نیز نام این ماه را باید محترم گفت. ماه مبارک رمضان. ماهِ ماه‌ها و ماهی که خدا در آن به دنبال یک یک بندگان فرستاده است. مردم بیایید که در شهر خبر است و درهای بهشت را باز کرده و درهای دوزخ را بسته‌اند. شیاطین جن را به بند کشیده‌اند و بندگان آزادند که بندگی کنند و بی‌مزاحمتِ اغیار، تا می‌توانند خدا را بخوانند و هرچه می‌خواهند از او بخواهند. ولی مراقبِ شیاطین انس باشند که فعلاً آزادند. از این ماه نازنین که نوشتیم، نیمش گذشته است و اگر دل بجنبانیم و غیرت کنیم می‌توانیم از نیمه بعدی، توشه یک عمر و هزار ماه خود را برداریم. بندگان باهوش و زیرک خدا برای ســـاعت به ساعت این ماه میهمانی برنامه دارند و با عبادت و خدمت به خلق خدا، ماندگارش می‌کنند. مخصوصاً در این دوره‌ای که مشـــکلات بیش از پیش شده و همت مضاعف می‌خواهد. مردم در رنجند و از دشمن، خشمگین و از برخی مسئولین که کم‌کار، تنبل و فرافکن‌اند، گلایه‌مند. باید معاضدت کرد و این چند قدم را به سلامت و پیروزی به سر برد و دشمن را ناامید و مسئولین را به کار واداشت.

روزگار ما روزهای جنگ است و دفاع. روزهای بیداری است و وقت خواب نیســـت که اگر در این دوران کسی به خواب برود، یا دشمن، او را با لگد بیدار می‌کند و یا در خواب می‌برندش. مخصوصاً آنها که در پُستِ مسئولیتند باید بیدارتر باشند و هوشیارتر و بابصیرت‌تر و صدالبته شجاع‌تر. چراکه خدا آنها را بیش از سایرین مؤاخذه می‌کند و امیرالمؤمنین علی علیه‌السلام خطاب به آنها فرمود: «امور مردم به شـــما امانت داده شده و طعمه‌ای نیست که به آن طمع کنید». اگر حســـاب و کتاب این دنیا را با ترفند و توهین بتوان پیچاند و از بار مسئولیت شانه خالی کرد، در روزی نه چندان دور و در محضر خدا و بندگان خواهند پیچاندمان. آن زمانی که ادعای «کمبود اختیارات» و توجیه «تسلیم به دشمن» و قول‌های «پنهانی» و کارشکنی و تنبلی و حرافی و ... را شاید تنها با جمله‌ای جواب دهند «وَقِفُوهُمْ إِنَّهُمْ مَسْؤُولُونَ». مسئولیتمان سنگین است و نفس‌گیر. ما میراث‌دار تمام افتخارات پیشینیان و آرزوهای آنانیم و پسینیان، ریز به ریز اعمال ما را قضاوت خواهند کرد، خواهند دانست که در جرگه پاکباختگان دین و ایرانیم و از امیرکبیر و رئیسعلی و آل احمدیم یا خائنین ملک و آیین و آقاخان و رزم‌آرا و تقی‌زاده‌ها.

روزگارمان روزگار سخت مسئولیت ادعاهاست. ادعاهای دیروز را امروز باید اثبات کنیم. روزی است که شیپور جنگ را در جبهه اقتصاد و معیشت مردم نواخته‌اند و قرار است مرد از نامرد شناخته شود و کاسب از محتکر و مسئول خادم از رئیس خائن. آرایش جنگی دشمنان و اتاق جنگ دشمنان خونخوار علیه ایران اسلامی را در وزارت خزانه‌داری آمریکا دیده‌اید؟ تحریم‌های پی‌درپی دشمنان و عهدشکنی اروپاییان را چه کنیم؟ هجمه بی‌سابقه رسانه‌ای و تبلیغاتی نظام سلطه بوی خون می‌دهد، نمی‌دهد؟ قتل‌عام فرهنگی یعنی چه؟ معنی اینها به غیر از جنگ، چیست؟ زمانی آرایش جنگی با نظامیان زره‌پوش و خشمگین بود و امروز با اقتصاددان‌های اودکلن‌زده و دیپلمات‌های خندان توافقنامه به دستی که تحریم می‌کنند یا وحشی‌های کراوات‌زده‌ای که با امثال اسناد شرم‌آور ۲۰۳۰ به دنبال سربازگیری برای انگلیس و فرانسه و آمریکا هستند. وقیحانی که بی‌هیچ شرمی، آدم می‌کشند و خم به ابرو نمی‌آورند. و ماییم و رسالت ناتمام گذشتگان و نیمه راه باقیمانده تا خانه دوست و مقصد خوبان که اگر همت کنیم می‌توانیم کار نیمه را تمام کنیم و دشمنان را تا قبرستان تاریخ بدرقه کنیم. إن‌شاءالله.

ماه مبارک رمضان از نیمه گذشت و هنوز درس مقاومت به ما می‌دهد. درس استقامت در برابر وساوس نفس و رنگارنگِ دنیا. یکی از تمرین‌های هرساله ما در مبارزه همین روزه‌داری است. و تمرین هرساله ما در ایستادگی. ایستادگی در عقیده و مبارزه برای آن. ماه میهمانی خدا ماه کریمان اســـت. ما را به خانه ملکه عرب و خدیجه مهربانِ رسول خدا می‌رساند و در نیمه ماه بر سفره کریم اهل بیت مهمانمان می‌کند و وَقتی که از نیمه گذشت، کم‌کم مهمانی شبانه خدا شروع می‌شود و خدای مُنعِم ما، سفره بی‌نظیر اکرام و اطعام و اِنعام خود را از سَر شب تا به صبح می‌گستراند تا هرکه هرچه می‌خواهد را برای یک عمر خود برگیرد. دقیقاً یک عمر. سفره‌ای که رزق هزار ماه زندگی ما در آن است. برکت یعنی این و ماه کریمان به اوجش رسیده است. یک شب برابر می‌شود با یک عمر ۸۳ ساله. هیچ انسان باهوشی این فرصت گران‌قدر را از دست نمی‌دهد مخصوصاً که این شب‌ها همراه شافع محشریم و امیرالمؤمنین با ماست. اگرنبود حضور حضرت مولا کجا دل‌ها چنان رقیق می‌شد که یک شب را بتوانیم تا به صبح خدا خدا کنیم؟ و اگر مناجات او در مســـجد کوفه و مشق بندگی او به کمیل نبود کجا می‌دانســـتیم که خدا را چگونه باید خواند و از او دلبری کرد؟ خدا را شکر مولایمان آن عابدِ مقتدرِ مظلومی است که تا ابد الگوی آزادگی و عدالت و عبودیت است.

اســـلام انقلاب ما از آن رو «ناب» نامیده شده که آب را از سرچشمه و از دست علی گرفته و دستی نامحرم آن را نیالوده است. اسلام آرمانگرای واقع‌بین. اسلامی به تمام معنا اسلامی. که باید اسلامی هم اجرا گردد، تا عطش بگیرد. اسلامی که در آن «نه ستم می‌کنید و نه ستم می‌بینید» و همین اسلام است که مورد محبت و رغبت مستضعفین و آزادگان و مورد بغض و نفرت مستکبرین و ستمگران بوده و هست. اشتباه ساده‌لوحانه آن است که دشمنی شیاطین انسی روزگارمان را در معادلات تنگ و تاریک حزبی ببینیم. بریتانیا که روباه پیر است دشمنی و پدرکشتگی با ما را با نسل کشی ۹ میلیون ایرانی در سال‌های ۱۲۹۵ تا ۱۲۹۸ شمسی عیان کرد و آمریکای شیطان بزرگ و دشمن اصلی ما و انسانیت، دشـــمنی‌اش را نه از سال ۵۷ که از سال ۳۲ علنی نمود. مصدق نه مذهبی بود و نه انقلابی که آنچنان دولتش را اســـقاط کردند تا سربرنیاورد. اسلام انقلاب ما علوی اســـت که فرزندان جبت و طاغوت وهابی و مؤمنین اسلام آمریکایی از دیدنش عاجزند. دین ســـفیانی و تیغ و اره آل‌سعود کجا و ساحت قدسی و منطق متقن اسلام ناب کجا و مگر می‌توان این دو را با هم، حتی قیاس نمود. هَلْ تَسْتَوِی الظُّلُماتُ وَ النُّور.

روزگار ما روزگار مسئولیت‌هاست. برادر جان! دوران دینداری سهل و ساده گذشت و بیش از چهل سال است که دوران امتحانات و ابتلائات آغاز شده است. سوم خرداد ۱۳۶۱ را انقلابیون کهنه‌کار به یاد دارند که چگونه طلیعه پیروزی‌های دفاع مقدس بود و نماد مقاومت شد. راه همان راه است و حرف همان حرف. اگر خرمشهرها در پیش باشد باید همان مجاهده‌ها و مبارزه‌ها با جدیت بیشتر و بهتر تکرار شود که این بار انگیزه و اراده ما قوی‌تر از آن زمان است و دشمنان ما ضعیف‌تر از آن روز. آمریکای کارتر و ریگان کجا و آمریکای کرک و پر ریخته امروز کجا. در اول انقلاب تمام همت دشـــمنان در این بود که سلاح و مهمات به ایران نرســـد و امروز همشان این است که سلاح ایران به بازوهای مقاومت نرسد. رژیم اشغالگر قدس آن زمان هنوز مست جنگ با اعراب بود ولی امروزه یکروزه به غلط کردن افتاد. آن زمان یک سپاه و یک ارتش داشتیم و امروز سپاه برکت‌گرفته و تکثیر شده‌ها، بر پنجه نشسته‌اند. اروپای آن زمان هم با امروز قابل قیاس نیست. فرانسه امروزی ۲۸ هفته دود و خون را پشت سر می‌گذارد و جزیره ملکه سردرگم اتحادیه مانده است. آل‌سعود هم، اگرچه آن زمان مثل امروز شیرده بود ولی هیچ‌وقت مثل امروز، در گِل نمانده بود و مردم می‌بینند که یمن باتلاق و مدفن این گاو بنی‌اسرائیل شده است.

واقعیت محکم این است که اگر در این جنگ اقتصادی و رسانه‌ای، خوب درگیر شـــویم، کار را تمام کرده‌ایم و دوره مســـتکبرین تاریخ را تمام به سر برده‌ایم. مردم ایران مردان روزگاران سختند و به کارهای بزرگ عادت دارند. خوب می‌دانند که باید امیدشان به خدا باشد و چشمشان به هوش و بازوی خود. اگر قرار بود از صاحبان قوطی برجام، توهمات سایه جنگ، و کمبود اختیارات و اربابان تناقض آبی گرم شود که در این مدت می‌شد و مردم به تدبیر مدعیان امیدی می‌بســـتند. کار کار انقلابیون و جهادیونی است که همیشه پای کار انقلاب و کشورند و پیشرفت‌های تاریخی انقلاب به دستان آنها محقق شده است. از انقلاب صنایع هسته‌ای و موشکی و فضایی گرفته تا سلول‌های بنیادی و نانو و.... همان‌هایی که در زلزله و ســـیل و تحریم سینه صبور مردم و دست توانای کشورند. همان‌ها که مثل شهید مجید قربانخانی معتقدند «آمریکا فقط لب و دهن است و هیچ غلطی نمی‌کند».

محمدهادی صحرایی

این مدیر بانکی در جنگ اقتصادی طرف ماست یا آمریکا؟!

مدیر بانکی که اظهارنظرهایش گام به گام با تحریم‌های آمریکا پیش آمده و ســـعی کرده خود تحریمی و اجرای سیاست‌های آمریکا در ایران که مانع دور زدن تحریم‌ها می‌شود را تئوریزه کند، علاوه‌بر ریاست هیئت مدیره اینستکس، مدیرکل بین‌الملل بانک مرکزی نیز شده است.

دوشـــنبه ۱۶ اردیبهشـــت، همتی رئیس‌کل بانک مرکزی، طی حکمی حمید قنبری را به عنوان مدیرکل بین‌الملل بانک مرکزی منصوب کرد. حمید قنبری دارای مدرک دکتری حقوق از دانشـــگاه شهید بهشتی است و پیش از این انتصاب دارای مســـئولیت‌های دیگری در بانک مرکزی نیز بوده اســـت. مسئولیت‌هایی همچون مدیریت اداره تامین اعتبارات ارزی بانک مرکزی، ریاست دایره تحقیقات، دعاوی و قراردادهای بین‌المللی بانک مرکزی، عضو تیم کارشناســـی بانک مرکزی و ریاست هیئت مدیره سازوکار ویژه تجارت و تأمین مالی ایران و اروپا(اینســـتکس) در ایران از جمله مهم‌ترین ســـوابق حمید قنبری اســـت. اما حمید قنبری اکنون و در اوج جنگ اقتصادی علاوه‌بر مسئولیت هیئت مدیره سازوکار اینستکس در ایران مدیرکل بین‌الملل بانک مرکزی ایران نیز شده است. در واقع او اکنون مسئولیت‌های زیادی در حوزه تعاملات بین‌المللی بانکی ایران که تحت تاثیر تحریم‌های آمریکا است برعهده گرفته است که باید دید آیا سوابق و نظرات کارشناسی او می‌تواند کفه ترازو را در جنگ اقتصادی به نفع ایران تغییر دهد یا اقدام همتی رئیس‌کل بانک مرکزی در انتصاب این مدیر کمک به آمریکا برای پیروزی در جنگ اقتصادی است.

نظرات قنبری در مورد تحریم ها

حمیـــد قنبری که ســـابقه عضویت در کمیتـــه بانکی برجام را هم در کارنامه دارد، نظـــرات خود را عمدتـــا در روزنامه دنیـــای اقتصاد انعکاس می‌دهد و از زمان انعقاد توافق برجام، مطالب مهمی در مورد تحریم‌ها، برجام و سازوکار توقف تحریم‌ها بیان کرده است. او نقش مهمی در حمایت از برجام داشته است. قنبری که آشنایی نسبی با سازوکارهای تحریمی دارد، ابتدا در مرداد ماه ســـال ۹۴ در مصاحبه‌ای با دری اصفهانـــی در روزنامه دنیای اقتصاد ضعف‌های ساختاری نحوه رفع تحریم‌ها در برجام از جمله باقی ماندن تحریم‌ها و در نتیجه احتمال عدم همکاری بانک‌های خارجـــی را مورد توجه قرار می‌دهد اما با کمک دری اصفهانی این ضعف‌ها را با پیش کشیدن بندهای دیگری از برجام به گونه‌ای ارائه می‌دهند که اصل اشکال به حاشیه رود و مورد توجه قرار نگیرد. به طور مثال در ســـؤال و جواب بین حمید قنبری و دری اصفهانی در مورد باقی ماندن برخی نهادها در تحریم و احتمال عدم همکاری بانک‌های خارجی با ایران، دری اصفهانی با تاکید به مجاز بودن همکاری داخلی بین بانک‌های تحریمی و غیرتحریمی در مورد احتمال عدم همکاری بانک‌های خارجی می‌گوید:« بانک اروپایی مشکلی برای همکاری با آن بانک ندارد به‌شرطی که در آن معامله به خصوص بانک و فرد تحریمی مستقیم و غیرمستقیم مداخله‌ای نداشته باشد.» دری اصفهانـــی و یا حمید قنبری هیچ یک در مورد این شرط توضیح دقیقی نمی‌دهند، شرطی که بعدها و در زمان اجرای برجام خود را در عدم همکاری بانک‌های خارجی با بانک‌های ایرانی نشان داد. اگرچه قنبری در این مصاحبه بیشتر نقش پرسشگر را بر عهده‌دارد، مدتـــی بعد و پس از اینکه علیرغم اجـــرای برجام، بانک‌های اروپایی با ایران همکاری نمی‌کنند، دست به قلم می‌شود و مقاله‌ای با عنوان «خلأ سازمانی نهاد نظارت بر تحریم‌ها» (تیرماه ۹۵) در روزنامه دنیای اقتصاد منتشـــر می‌کند. او در این یادداشـــت به جای مواخذه آمریکا که با جریمه و شـــرط و شروط‌های خود مانع همکاری بانک‌های خارجی می‌شد و به جای مطالبه از بانک‌های اروپایی برای پایبندی به مفاد حداقلی برجام، پیشنهاد عجیبـــی را مطرح می‌کند. قنبری در این یادداشـــت با علم به قرارداشتن بسیاری از نهادهـــای ایرانی در لیســـت تحریمی آمریکا و قطعنامه ۲۲۳۱ شـــورای امنیت سازمان ملل، بیان می‌کند که با توجه به ترس خارجی‌ها از ایجاد ارتباطات با ایران پس از برجـــام به علت وجود تحریم‌های بین‌المللی، باید ســـازمانی شکل بگیرد تا تحریم‌های بین‌المللی را در داخل کشور به رسمیت بشناسد و آنها را اعمال کند تا خارجی‌ها مطمئن باشند که در ارتباطات خود با مشکل تحریم روبه رو نخواهند شد.

در واقع قنبری در تیر سال ۹۵ به عنوان یک عضو حقوقی بانک مرکزی خواستار آن می‌شود که اولا ایران تحریم‌های بین‌المللی را به رسمیت بشناسد، ثانیا این تحریم‌ها باید به صورت قوانین، مصوبات، آیین‌نامه‌ها، دســـتورالعمل‌ها یا بخشنامه‌های داخلی دربیاید تا برای بانک‌ها، موسسات، شرکت‌ها و نهادهای داخل کشور قابل اجرا باشد. اگر طرح آمریـــکا در آن مقطع را مرور کنیم بهتـــر می‌توانیم معنی صحبت‌های دکتر قنبری را درک کنیم، آمریکا برخی نهادها و موسسات مانند وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، صدا و سیمای جمهوری اســـلامی، قرارگاه خاتم‌الانبیـــا و... را در چارچوب تحریم‌هـــای ثانویه حفظ کرده بود که برخی از آنها در لیســـت تحریمی قطعنامه ۲۲۳۱ شورای امنیت نیز وجود دارند، ایالات متحده حاضر به دادن تعهد کتبی و حقوقی برای ارتباطات بانک‌های اروپایـــی با ایران حتی قبـــل از خروج از برجام هم نبود و هدف این کار هم تقسیم کردن کشـــور به دو دسته تحریمی و غیر تحریمی بود تا نهادهای غیرتحریمی ایران برای ارتباط با بانک‌های خارجی نهادهای ایرانی قرار گرفته در لیست تحریم آمریکا یـــا قطعنامه ۲۲۳۱ شـــورای امنیت را با خودتحریمی در انزوا مالی قرار دهند، برای اجرای این نقشه آمریکا چه نعمتی بیش از وجود یک مدیر از جنس حمید قنبری در بالاترین سطح بانک مرکزی نیاز است تا بدون دردسر تصمیمات‌اش را به قانون داخلی تبدیل کند و نهادها و موســـسات ایرانی را دو دوسته کند و خودتحریمی را اجرا کند؟ قنبری احتمالا در آن مقطع در پاسخ به این سؤال ادعا می‌کرده است که منظور از تحریم‌های بین‌المللی تحریم‌های آمریکا نیســـت، اما او این سازوکار را برای همـــکاری بانک‌های خارجی پیشـــنهاد مـــی‌داد و بانک‌هـــای خارجـــی از جمله بانک‌های اروپایـــی، دلیل عدم همکاری خود را تحریم‌های آمریکا می‌دانســـتند، نکتـــه‌ای که بعد از خروج آمریکا از برجام به وضوح ثابت شد.

خودتحریمی به بهانه حملات تروریستی تهران

نظرات قنبری اما به این یادداشت و مقاله محدود نمی‌شود. او که در اظهار نظر قبلی خود خواســـتار تشکیل نهادی زیر نظر شـــورای عالی امنیت ملی به عنوان ضابط قضایی تحریم‌ها بود تا اگر شخص یا شرکتی در ایران تحریمها را نقض کرد پرونده آن شـــخص یا شرکت به مقامات ذی‌صـــلاح قضایی ارجاع شـــود، پس از اتفاقات تروریستی حرم امام(ره) و مجلس شورای اسلامی مجدداً دست به کار شده و سعی دارد این بار با دستاویز کردن حمله تروریستی در ایران به نحو دیگری حرف قبلی خود در داخلی ســـازی تحریم‌ها را تکرار کند. او دوباره ابزار رســـانه‌ای دنیای اقتصـــاد را بـــه کار می‌گیـــرد و در مقاله دیگری بـــا عنوان «حوادث تروریســـتی و نظام مالـــی» (خـــرداد ۹۶) اگرچه به صراحـــت نامـــی از FATF نمی‌برد اما با اشاره به توصیه‌های مختلف آن از جمله اجرای استانداردهای مالی درباره معاملات مشـــکوک، گزارش‌دهی عملیات مربوط به معاملات و شناسایی هویت مشتریان، اجرای این توصیه‌ها و استانداردها را وظیفه هر ایرانی برای مبارزه با تروریسم و تامین مالی آن می‌داند. فاجعه این صحبت‌های قنبری زمانی آشـــکار می‌شود که بدانیم مارشـــال بیلینگزلی رئیس‌اف‌ای تی اف و دستیار تروریسم وزارت خزانه‌داری آمریکا نیز دقیقا چنین نسخه‌هایی برای جلوگیری از دور زدن تحریم‌ها توسط ایران پیشنهاد می‌دهد. شاید به همین دلیل هم باشد که قنبری ریاست هیئت مدیره اینستکس را در ایران برعهده می‌گیـــرد، چرا که ابزار پشتیبان تجاری اروپا یا همان اینستکس نیز کاملا در چارچوب تحریم‌های آمریکا است. این ساز و کار با درخواست از ایران برای اجرای الزامات اف‌ای‌تی‌اف می‌خواهد که حتی کمک‌های حقوق بشری نیز با ساز و کار خود تحریمی انجام شـــود. بنابراین بهترین گزینه برای ریاست هیئت‌مدیره این ســـاز و کار از نگاه طرف مقابل کسی است که قبلا این موضوع را در داخل و در اظهارات مختلف اعلام کرده باشد.

حال قنبری که اظهارنظرهایش گام به گام با تحریم‌هـــای آمریکا پیش آمده و ســـعی کرده خود تحریمـــی و اجرای سیاست‌های آمریکا در ایران که مانع دور زدن تحریم‌ها می‌شـــود را تئوریزه کند، علاوه‌بر ریاست هیئت مدیره اینستکس مدیرکل بین‌الملل بانک مرکزی نیز شده اســـت. بانک مرکزی و رئیس‌کل آن باید پاسخ دهند که آیا حضور چنین فردی در یکی از کلیدی‌ترین پست‌های بانک مرکزی در شرایط تحریمی کمک به ایران در جنگ اقتصادی است یا آمریکا؟

اقامه نماز جمعه تهران به امامت آیت‌الله موحدی کرمانی

نمـــاز جمعه ایـــن هفته تهران بـــه امامـــت آیـــت‌الله محمدعلی موحدی کرمانی در دانشگاه تهران اقامه خواهد شد.

به گزارش روابط عمومی ســـتاد نماز جمعه تهران، مراسم نماز جمعه این هفته از ســـاعت ۱۱:۳۰ در دانشـــگاه تهران آغاز می‌شـــود و در ادامه با ســـخنرانی آیت‌الله محسن اراکی، دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی با موضوع «صبر و مقاومت در سیره امیرالمؤمنین امام علی(علیه‌السلام)» و سردار رمضان شریف، رئیس ستاد انتفاضه و قدس شورای هماهنگی تبلیغات اسلامی با موضوع «اعلام برنامه‌های راهپیمایی روز جهانی قدس» همـــراه خواهد بود. آیت‌الله محمدعلـــی موحدی کرمانی نیـــز به ایراد خطبه‌ها خواهند پرداخت. برنامه جزءخوانی قرآن (جزء ۱۸) از ساعت ۱۰:۳۰ در زمین مسقف برگزار می‌شود. درب‌های دانشگاه از ساعت ۱۰:۳۰ باز می‌شود.

گفت و شنود

زورو!

گفت: شبکه تلویزیونی CNN در گزارشی آورده است که ترامپ اطلاعات چندانی از سیاست خارجی ندارد و حتی بلوک‌های سیاسی جهان را هم نمی‌شناسد!

گفتم: نیازی ندارد! چون دولت‌های پشت صحنه برایش برنامه‌ریزی می‌کنند و او فقط مجری دستورات آنهاست.

گفت: این شـــبکه آمریکایی به چند نمونه از بی‌اطلاعی ترامپ نســـبت به کشورهای اروپایی و آسیایی اشاره کرده و می‌گوید این سطح از بی‌اطلاعی برای رئیس‌جمهور آمریکا تاسف‌آور است.

گفتم: در مسابقه هوش از یارو پرسیدند، اسب سفید رستم چه رنگی و متعلق به چه کســـی بود؟ یارو مدتی فکر کرد و گفت؛ رنگش سیاه بود و مال زورو بود!

کدخدایی: در این دوره اختیارات بیشتری به رئیس‌جمهور تفویض شده است

سخنگوی شورای نگهبان رؤسای جمهور را طبق قانون اساسی دارای اختیارات وسیعی دانست.

عباسعلی کدخدایی سخنگوی شورای نگهبان با انتشار مطلبی در فضای مجازی نسبت به اختیارات رئیس‌جمهور طبق قانون اساســـی اظهار نظر کرد و اشـــکال را متوجه روسای جمهور ادوار مختلف کرد که از اختیارات خود استفاده نکرده‌اند.

وی در پیام توییتری خود نوشت: «رؤسای جمهور ادوار مختلف، طبق قانون اساســـی اختیارات وسیعی داشته‌اند، و در این دوره نیز اختیارات بیشتری متناسب با شرایط کشور تفویض شده اســـت. آیا از ظرفیت این اختیارات گســـترده برای حل مشکلات استفاده شده است؟»

شـــایان ذکر اســـت اظهارات کدخدایی در شرایطی مطرح می‌شود که دکتر روحانی، رئیس‌جمهور در ضیافت افطاری ۲۱ اردیبهشت ماه جـــاری در حضور جمعی از فعالان سیاسی، بی‌آنکه به مسئولیت‌های بر زمین مانـــده دولت برای مقابله با مشـــکلات موجود اشـــاره کند، علت اصلی مشـــکلات را در فقدان اختیارات رئیس‌جمهور دانســـته و گفته بود: «وقتی از دولت ســـؤال و مطالبه‌ای می‌شـــود باید از طرف دیگر بررســـی شـــود که دولت چه مقدار در حوزه‌های مورد سؤال دارای اختیار بوده اســـت بطور مثال اگر درخصوص سیاست خارجی، فرهنگ و یا فضای مجازی از دولت سؤال و مطالبه‌ای می‌شود، باید ببینیم که دولت چقدر در این حوزه‌ها اختیار دارد. باید در حـــد توان و در حوزه اختیارات رئیس‌جمهـــور از دولت مطالبه داشـــت». همچنین وی در ۳۰ اردیبهشت در دیدار با جمعی از روحانیون و شخصیت‌های حوزوی خواهان «اختیارات ویژه‌ای» شد.

کاهش ساعت کاری ادارات دولتی در روزهای پس از شب‌های قدر

ساعت کاری سازمان‌های دولتی در روزهای شـــنبه و چهارشنبه هفته آینده مطابق با ۱۹ و ۲۳ رمضان با دو ساعت تأخیر آغاز می‌شود.

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی دفتـــر هیئت دولت، بر اســـاس مصوبه هیئت وزیـــران و مطابق روال همه ساله، زمان شروع کار کلیـــه وزارتخانه‌ها، ســـازمان‌ها، شـــرکت‌ها و مؤسســـات دولتی در روزهای شـــنبه و چهارشنبه مورخ ۴ و ۸ خـــرداد ماه برابر با نوزدهم و بیست و سوم ماه مبارک رمضان با دو ساعت تأخیر تعیین می‌شود.

خبر ویژه

۳۶۵ روز گذشته چه غلطی کردید که ۱۲۰ روز دیگر مهلت می‌خواهید؟!

پیشنهاد مشاور موگرینی مبنی بر اینکه ایران به جای ۶۰ روز، به اروپا ۱۲۰ روز مهلت بدهد، پشت هم‌اندازی و فرصت‌سوزی است.

به نوشته روزنامه وطن امروز، «ناتالی توچی» مشاور «فدریکا موگرینی» مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپایی در اظهاراتی که مورد توجه برخی رسانه‌های غربی نیز قرار گرفته، ضرب‌الاجل ۶۰ روزه ایران به تروئیکای اروپا را ناکافی دانسته و در این‌باره می‌گوید: ۱۲۰ روز زمان نیاز است تا اروپا بتواند حسن‌نیت خود درباره پایبندی به تعهدات برجامی‌اش را به ایران نشان دهد».

ســـاعاتی پس از اظهارات مشـــاور موگرینی، شخص مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپایی از راه‌اندازی INSTEX طی هفته‌های آینده خبر داد. بدون شک، میان اظهارات موگرینی و مشاورش ارتباط معناداری وجود دارد؛ ارتباطی که چندان پیچیده به نظر نمی‌رسد!

اظهارات توچی در این معادله، حکم «مقدمه» و اظهارات موگرینی حکم «نتیجه» را دارد. مشاور موگرینی در وهله اول مدعی شده است اروپا مانند ایالات متحده آمریکا اهداف پنهانی در قبال ایران ندارد. این ادعا در حالی بیان می‌شود که مناسبات دوطرفه ضدایرانی ایالات متحده آمریکا و اتحادیه اروپایی، در قلب «دیپلماسی پنهان» شکل گرفته و همچنان ادامه دارد. از ابتدای حضور ترامپ در کاخ سفید، این روابط شکل جدیدی به خود گرفته و حتی پس از خروج رسمی ایالات متحده آمریکا از برجام نیز ادامه داشته است. تحلیلگران حوزه روابط بین‌الملل به‌خوبی می‌دانند خروجی این دیپلماسی پنهان، تاخیر هدفمند اتحادیه اروپایی درباره ارائه سازوکار مالی ویژه و اعمال فشارهای مستمر بر فعالیت‌های دفاعی، موشکی و منطقه‌ای ایران بوده است.

نکته دیگری که در اظهارات مشاور موگرینی نسبت به آن تاکید شده، مربوط به ضرب‌الاجل ۶۰ روزه اعلام شـــده از سوی جمهوری اسلامی ایران است. البته با توجه به مدت زمان یک‌ســـاله سپری شده از ۱۸ اردیبهشت‌ماه سال ۱۳۹۷ (زمان خروج آمریکا از برجام)، تعیین همان ضرب‌الاجل ۶۰ روزه برای اروپا نیز بسیار زیاد و غیرضروری بوده است؛ با این حال اصرار مقامات اروپایی مبنی بر خرید زمان بیشتر از ایران، جای بسی تامل دارد. واقعیت امر این است که رفتارهای برجامی اتحادیه اروپایی در قبال ایران، تابعی از ریل‌گذاری مقامات وزارت خارجه ایالات متحده و در رأس آنها «مایک پمپئو» بوده اســـت. هم‌اکنون مقامات کاخ سفید به اروپای واحد دســـتور داده‌اند همچنان تاکتیک «خرید زمان» را در قبال ایران و برجام در پیش بگیرند تا به این طریق، واشنگتن مدت زمان بیشتری برای اعمال فشار اقتصادی بر کشورمان در اختیار داشته باشد. از این رو خواهش غیرمستقیم مشاور موگرینی از مقامات کشورمان مبنی بر تمدید ضرب‌الاجل تعیین‌شده درباره بازگشت ایران به بخشـــی از فعالیت‌های برجامی خود، ترجمان یک نقشه مشترک میان واشنگتن و اتحادیه اروپایی است. بدیهی است دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی کشورمان نه‌تنها نباید زیر بار پذیرش چنین خواســـته‌ای برود، بلکه باید مهلت ۶۰ روزه خود به اتحادیه اروپایی و بویژه تروئیکای اروپا را با جدیت بیشتری به آنها یادآوری کند.

چرا روحانی تحمل جلسات شورای عالی انقلاب فرهنگی را ندارد؟

اصرار بر تعطیلی جلسات شورای انقلاب فرهنگی توسط روحانی، از روحیه بی تحمل و اقتدارگرایانه او نشات می‌گیرد.

روزنامه فرهیختگان در یادداشتی، ضمن طرح این سوال که چرا رئیس جمهور به جلسات شورا علاقه ندارد؟ نوشت: شورای عالی انقلاب فرهنگی به عنوان عالی‌ترین نهاد سیاست‌گذار در زمینه تحقق اهداف انقلاب فرهنگی در نظام جمهوری اسلامی کـــه با هدف تصمیم‌گیری و سیاســـت‌گذاری کلان در زمینه فرهنگ و آموزش با دستور امام خمینی(ره) تشکیل شد و از سوی رهبر معظم انقلاب نیز به عنوان اتاق فرمان فرهنگی کشور نامیده شده، مدتی است خود گرفتار خرده‌سیاست‌ها و سلایق شخصی شده و بیش از چهار ماه است به دلیل عدم موافقت جناب رئیس جمهور به دلایل متعدد از قبیل عدم تعیین وقت یا مخالفت با دعوت برخی اعضای حقیقی شورا تشکیل جلسه نمی‌دهد و عملا به تعطیلی کشانده شده است.

جدا از برخی شنیده‌ها پیرامون بحث و جدل‌های شکل گرفته و اختلاف‌نظرهای طبیعی در جلسات شورا میان اعضای این شورا با روحانی که به عنوان علت اصلی عدم تشکیل این جلسات از آن یاد شده، باید به بررسی بنیادهای این اقدام که در تعمیق و تشدید اختلافات پدید آمده موثر است، پرداخت.

واقعیت این است که نحوه تعاملات جناب رئیس جمهور در دیگر مجموعه‌هایی که تصمیمات به‌صورت جمعی اتخاذ می‌شود همچون مجمع تشخیص مصلحت نظام حتی در زمان ریاست مرحوم هاشمی رفسنجانی و دیگر شوراهای عالی و همچنین نوع تعامل ایشان با منتقدان و به کارگیری واژه‌هایی از قبیل «بی‌سواد»، «بی‌شناسنامه»، «عصر حجری»، «تازه به دوران رسیده»، «بزدل»، «بی‌عقل» و... از مصادیقی است که خیلی صریح و روشن حکایت از این دارد که شعار و عملکرد رئیس جمهور در تضاد با تصمیمات شورایی و تحمل نقد دیگران برای رسیدن به یک خرد جمعی که از پیامدهای گفتمان آزادی است، قرار می‌گیرد. به‌علت اینکه جناب حسن روحانی در مقایسه با مسئولان ارشد اجرایی گذشته دارای نوعی عصبانیت خلقی نیز است، این‌گونه تصمیمات به نوعی شـــاخصه اقتدارگرایی و مناسبات غیردموکراتیکش را بیش از دیگران عیان کرده که در نوع خود بی‌نظیر است؛ به‌طوری که در هیچ یک از ادوار گذشته، شورای عالی انقلاب فرهنگی در دولت‌های پیشین تاکنون این‌گونه مورد بی‌اعتنایی قرار نگرفته است. از سوی دیگر و از منظر جامعه‌شناختی نیز این روزها ضعف پایگاه اجتماعی جناب حســـن روحانی و دولت و زمزمه‌هایی مبنی بر عبور بخشی از جریان‌های حامی از دولت و رئیس جمهور به دلیل ناتوانی در عمل به وعده‌های مختلف خصوصا معیشتی و اقتصادی، ایشان را در برابر نقدها و اظهارنظرهای مخالف، ناشکیبا و نابردبارتر کرده است. لذا وجود احساس موقعیت شکننده از لحاظ اجتماعی باعث شده دولت و شخص رئیس جمهور به انتقادها و منتقدان با بالاترین فرکانس واکنش نشان دهند.

حکم شهردار برای استاندار معزول بی اعتبار کردن دولت بود

حکم زدن شهردار تهران برای استاندار معزول گلستان، شورای شهر و دولت و معاون اول رئیس جمهور را زیر سؤال برد.

عل